جنگ در کابینه جنگ!

استعفای مقامات رژیم صهیونیستی از کابینه جنگی نتانیاهو نشانگر بی‌اعتمادی به نخست وزیر این رژیم است

استعفای یکی از اعضای ارشد کابینه جنگی اسرائیل، نمایشی دراماتیک از بی‌اعتمادی به نخست‌وزیر بنیامین نتانیاهو و استراتژی او برای جنگ هشت‌ماهه با حماس بود اما به‌نظر نمی‌رسد خروج بنی‌گانتز فورا نتانیاهو را که هنوز ائتلاف اکثریت پارلمان را کنترل می‌کند، تهدید کند. درحال‌حاضر رهبر رژیم صهیونیستی به‌شدت به متحدان راست افراطی که مخالف آخرین پیشنهاد آتش‌بس مورد حمایت ایالات‌متحده هستند و می‌خواهند جنگ را ادامه دهند، تکیه می‌کند. بنی‌گانتز، ژنرال سابق و رهبر حزب وحدت ملی اسرائیل، به‌دلیل شکست کابینه گسترده‌تر در توافق بر سر طرحی برای غزه فراتر از جنگ کنونی، از کابینه جنگ استعفا داد. در اواسط ماه می، گانتز یک طرح شش ماده‌ای برای اداره غزه فراتر از جنگ ارائه کرد. او در آن زمان گفت که اگر با این امر موافقت نشود کابینه را ترک خواهد کرد. سرانجام او در یک نشست خبری ضمن اعلام استعفای خود، تأکید کرد نتانیاهو را مانع پیروزی در این جنگ می‌داند.

چرا گانتز استعفا داد و نقشه جنگی او چه بود؟

گانتز، میانه‌رویی که به‌عنوان مخالف اصلی سیاسی نتانیاهو شناخته می‌شود پس از ماه‌ها تشدید تنش‌ها در کابینه جنگ بر سر استراتژی اسرائیل در غزه استعفا داد. در ۷ اکتبر شبه‌نظامیان حماس حدود ۱۲۰۰ نفر را در جنوب اسرائیل کشتند و حدود ۲۵۰ گروگان را به غزه بازگرداندند. از آن زمان نتانیاهو دو هدف را متعهد شده است؛ شکست‌دادن حماس و بازگرداندن گروگان‌ها اما با ادامه‌یافتن جنگ، بسیاری از اسرائیلی‌ها ـ ازجمله گانتز ـ از عدم پیشرفت برای بازگرداندن اسیران به خانه و تضمین یک توافق آتش‌بس ناامید شده‌اند. آنها می‌گویند نتانیاهو بقای سیاسی خود را مقدم بر منافع کشور قرار داده است و جنگ را طولانی می‌کند تا از انتخابات جدید و محاکمه فساد خود جلوگیری کند. گانتز که محبوبیتش از زمان شروع جنگ افزایش یافته است، ماه گذشته به نتانیاهو اولتیماتوم داد. او تهدید کرد که اگر نتانیاهو طرح بازگرداندن گروگان‌ها، پایان‌دادن به حکومت حماس، غیرنظامی‌سازی نوار غزه، ایجاد یک اداره بین‌المللی برای امور غیرنظامی در غزه، عادی‌سازی روابط با عربستان سعودی و گسترش خدمات نظامی را تایید نکند، در ۸ ژوئن دولت را ترک خواهد کرد.

نتانیاهو برای فرار از بحران‌های خود که شامل استعفای اعضای ارشد کابینه جنگ اسرائیل است راهی جز ادامه جنگ ندارد

سرانجام گانتز اعلام کرد: «ما از این کابینه خارج می‌شویم، زیرا نتانیاهو مانع از پیشرفت ما به‌سوی دستیابی به پیروزی واقعی می‌شود.» وی افزود: «من از نتانیاهو می‌خواهم که هرچه زودتر انتخابات برگزار کند و یک کمیته تحقیقات ملی تشکیل دهد.» بنی‌گانتز تصمیم خروج از کابینه را پیچیده و دردناک توصیف کرد و خواستار برگزاری انتخابات در پاییز آینده شد. آیزنکوت هم ضمن اعلام استعفای خود، گفت کابینه‌ای که نتانیاهو رهبری می‌کرد، «تصمیم‌های مهم برای رسیدن به اهداف ما نمی‌گرفت.» او به نتانیاهو گفت: «ما مشاهده کردیم تصمیم‌هایی که اتخاذ کردی لزوما در جهت منافع اسرائیل نبوده، از این رو درباره خروج سه عضو کابینه باید گفت یکی از مهم‌ترین ابعاد آن می‌تواند تقویت راست افراطی باشد که نتانیاهو با آنها متحد است و به‌نوعی بر روابط با آمریکا هم تأثیرگذار باشد؛ چراکه غربی‌ها و آمریکایی‌ها، گانتز و احزاب میانه‌رو را متحدتر می‌دانند. در مجموع روزنامه اسرائیلی هیوم در تحلیل این استعفا به بررسی ابعاد آن پرداخته است.

این روزنامه در گزارشی با اشاره به استعفای سه عضو کابینه جنگ رژیم صهیونیستی، تلاش کرد تا سناریوهای پیش‌روی این کابینه را بررسی کرده و به این سؤالات پاسخ دهد که شکل کابینه جنگ پس از این استعفاها چگونه خواهد بود و آیا ویگدور لیبرمن، رئیس حزب موسوم به «اسرائیل بیتنو» یا گیدون سعر، رهبر حزب موسوم به «امید نو» برای تقویت کابینه جنگ به آن ملحق خواهند شد یا کابینه در نهایت سقوط خواهد کرد. این روزنامه صهیونیستی سه سناریو را پس از کناره‌گیری گانتز، آیزنکوت و تروبیر از کابینه جنگ محتمل دانسته است.

سناریوی اول ادامه کار کابینه جنگ پس از استعفای گانتز

اولین سناریو ادامه کار کابینه جنگ پس از استعفای گانتز است و به اعتقاد روزنامه اسرائیل‌هیوم، این سناریو واقع‌بینانه‌ترین سناریو است که به احتمال زیاد به‌زودی اتفاق خواهد افتاد. این روزنامه رژیم صهیونیستی معتقد است که هدف گانتز از استعفا، این نیست که به اپوزیسیون مرکزی در داخل سرزمین‌های اشغالی تبدیل شود، بلکه هدفش تلاش برای حرکت به سمت برگزاری انتخابات زودهنگام کنست (پارلمان) و سرنگونی کابینه نتانیاهو است.

روزنامه اسرائیل‌هیوم ضمن اذعان به این‌که با استعفای گانتز قدرت اپوزیسیون و همچنین جنبش اعتراضی و تظاهرات علیه کابینه نتانیاهو در خیابان کاپلان در مرکز شهر تل‌آویو افزایش خواهد یافت؛ درعین‌حال افزود که براساس شرایط کنونی سرنگونی کابینه همچنان دور از دسترس است و نتانیاهو تلاش خواهد کرد تا به کابینه ائتلافی خود ادامه دهد.

سناریوی دوم سعر و لیبرمن وارد کابینه جنگ می‌شوند

این روزنامه احتمال تحقق سناریوی دوم را کم دانست و افزود: شکی نیست که این سناریوی مورد علاقه نتانیاهو است که او برای تحقق آن تلاش خواهد کرد. روزنامه اسرائیل‌هیوم نوشت: خروج گانتز از کابینه جنگ ممکن است خبرهای خوبی را برای اردوگاه جناح راست و تفکر جدید و متفاوت در کابینه جنگ به همراه داشته باشد.

این رسانه صهیونیستی اشاره کرد که به‌رغم علاقه مشترک، سعر لیبرمن و گانتز در سرنگونی کابینه، هیچ توافقی بین دو طرف در مورد نحوه مدیریت جنگ وجود ندارد. علاوه‌براین گانتز مانع از هرگونه تلاش برای افزودن اعضای جدید ازجمله لیبرمن و سعر به کابینه جنگ شد. این ارزیابی هم وجود دارد که برای ورود لیبرمن و سعر به کابینه جنگ خیلی دیر شده است و آنها ترجیح می‌دهند که خارج از این کابینه باقی بمانند.

گانتز: ملاحظات سیاسی کابینه نتانیاهو مانع از تصمیم‌گیری‌های راهبردی در جنگ غزه است و ما از این کابینه جنگ خارج می‌شویم

سناریوی سوم سقوط کابینه جنگ پس از کناره‌گیری گانتز

به‌رغم این‌که با وجود خروج حزب «اتحاد» (گانتز) از کابینه جنگ ائتلاف اکثریت پارلمانی حامی کابینه نتانیاهو قوی و هماهنگ باقی خواهد ماند که به این کابینه اجازه ادامه فعالیت خود را خواهد داد؛ اما ممکن است اتفاقات یا رویدادهای دیگری ازجمله بر سر قانون خدمت وظیفه اجباری «حریدی‌ها» (ارتدوکس‌های دینی) رخ دهد که در نهایت به انحلال کابینه منجر شود. احزاب دینی حریدی و صهیونیستی در رژیم‌صهیونیستی هم‌اکنون سرگرم فشار بر کابینه نتانیاهو برای تصویب پیش‌نویس قانون معافیت حریدی‌های ۲۱ تا ۲۶ ساله از خدمت وظیفه هستند.

انتظار می‌رود که این پیش‌نویس بحث و جدل‌ها بین اعضای ائتلاف کابینه نتانیاهو را تشدید کند. به نوشته روزنامه صهیونیستی اسرائیل‌هیوم، اگرچه هیچ‌یک از اعضای کابینه علاقه‌ای به برچیده شدن آن ندارند اما ممکن است اتفاقاتی بیفتد یا تحولاتی در پی تشدید اعتراضات صهیونیست‌ها علیه عملکرد کابینه در آینده روی دهد. از سوی، دیگر روزنامه صهیونیستی یدیعوت آحارونوت گزارش داد که آیزنکوت، دیگر عضو کابینه جنگ اسرائیل نیز به‌دلیل ملاحظات سیاسی از سمت خود استعفا داده و فرآیند تصمیم‌گیری را برهم زد.

به نوشته این روزنامه، در نامه استعفای آیزنکوت به نتانیاهو آمده است که «به‌رغم تلاش‌های فراوان من و همکارانم کابینه تحت رهبری آنها مدت‌هاست که از اتخاذ تصمیم‌های قاطع مورد نیاز برای تحقق اهداف جنگ و بهبود وضعیت راهبردی اسرائیل خودداری کرده است و بنابراین زمان خروج از کابینه جنگ فرا رسیده است.»

گانتز نیز در استعفای خود خطاب به صهیونیست‌ها گفت واقعیت ساده نیست و نمی‌توانم موفقیت آسانی را برای شما تضمین کنم و اسرائیل نیازمند یک پیروزی واقعی است و خروج از کابینه تصمیمی پیچیده و دردناک است. او افزود: پیروزی واقعی و حقیقی در این است که ما با آمریکا و جهان برای دستیابی به یک قرارداد مبادله (اسیران با مقاومت فلسطین) مشغول باشیم و نتانیاهو مانع از پیروزی حقیقی می‌شود.

گانتز با اشاره به این‌که «نتانیاهو به‌دلیل ملاحظات سیاسی مانع از تصمیم‌گیری‌های مهم استراتژیک می‌شود» ادامه داد: من از او می‌خواهم که هرچه زودتر به‌سوی برگزاری انتخابات زودهنگام پارلمانی و ایجاد کمیته تحقیق درباره علل شکست در هفتم اکتبر (شکست رژیم اسرائیل در ۱۵ مهر ۱۴۰۲ از مقاومت فلسطین در جریان طوفان‌الاقصی) و تشکیل یک کابینه متحد واقعی صهیونیستی برود. گانتز در پایان گفت: ملاحظات سیاسی کابینه نتانیاهو مانع از تصمیم‌گیری‌های راهبردی در جنگ غزه است و ما از این کابینه جنگ خارج می‌شویم، زیرا نتانیاهو از پیشرفت ما به سمت دستیابی به پیروزی حقیقی جلوگیری می‌کند.

نتیجه‌گیری

با استعفای سه عضو کابینه رژیم صهیونیستی به‌خوبی می‌توان شکاف داخلی رژیم صهیونیستی را مشاهده کرد؛ چراکه در طول این مدت اسرائیل به هیچ‌کدام از اهداف خود نرسیده و از سوی دیگر شکاف داخلی در لایه‌لایه‌های این رژیم را به نمایش می‌گذارد.

از این‌رو باید گفت درحالی‌که رژیم صهیونیستی در حال جنگ است اختلافات داخلی این رژیم به‌وضوح خود را به نمایش می‌گذارد و موج استعفا را می‌تواند به دنبال داشته باشد و از این‌رو می‌توان گفت نتانیاهو برای فرار از بحران‌های خود به‌دنبال ادامه جنگ است که در متن بیانیه استعفادهندگان مشخص است؛ به‌طوری‌که آیزنکوت گفت کابینه‌ای که نتانیاهو رهبری می‌کرد تصمیم‌های مهم برای رسیدن به اهداف ما نمی‌گرفت. او به نتانیاهو گفت: «ما مشاهده کردیم تصمیم‌هایی که اتخاذ کردی، لزوما در جهت منافع اسرائیل نبود.»

نگاه

فلسطین؛ از تله فراموشی تا مسأله اول دنیا

رهبر انقلاب اسلامی در سالروز وفات امام خمینی (ره) در ۱۴ خرداد ۱۴۰۳ فرمودند: «آنچه در مقابل چشم ما است و داریم مشاهده می‌کنیم که مسأله فلسطین، شده است مسأله اول دنیا؛ این خیلی مهم است. سال‌های متمادی تبلیغات رسمی رسانه‌های وابسته به آمریکا و وابسته به مراکز صهیونیستی ثروتمند سعی‌شان این بود که کاری کنند که نام فلسطین و مسأله فلسطین به تدریج کم‌رنگ شود و تدریجا به فراموشی سپرده شود و مردم یادشان برود که یک چیزی هم به نام «فلسطین» وجود داشته! سال‌ها سعی کردند و پول خرج کردند برای این کار، امروز علی‌رغم آنها، مسأله فلسطین مسأله اول دنیاست. رسانه KHAMENEI.IR به همین مناسبت در یادداشتی به قلم سجاد مرادی کلارده، پژوهشگر روابط بین‌الملل به بررسی چگونگی نجات فلسطین از فراموشی و تبدیل شدن به مسأله اول دنیا پرداخت.

موضوع فلسطین و مبارزه مردم این پهنه برای احقاق حقوق از قدمتی نزدیک ۸۰ سال برخوردار است. از آغاز این مبارزه از ۱۵ می ۱۹۴۸ یعنی روز نکبت و تشکیل رژیم صهیونیستی و در ادامه تحولاتی مانند خیزش قدس (هبه‌القدس) در سال ۱۹۶۷، شروع انتفاضه سنگ (انتفاضه الحجاره) در ۱۹۸۷، انتفاضه الاقصی در سال ۲۰۰۰، انتفاضه قدس در سال ۲۰۱۵ تا تشدید عملیات علیه نظامیان اشغالگر در کرانه باختری در سال ۲۰۲۲، نکته‌ای که بسیار جلب توجه می‌کند تبلیغات و حمایت‌های رسانه‌ای از رژیم اشغالگر و در مقابل، محکومیت حق فلسطینیان در بازپس‌گیری سرزمین‌شان بود.

کمرنگ شدن مسأله فلسطین توسط رسانه‌های جریان اصلی

رسانه‌ها نقش کلیدی در شکل دادن به واقعیت‌ها دارند. این که چرا به برخی بحران‌ها و قربانیان آنها بیش از سایر موضوعات اهمیت داده می‌شود، حاکی از نقش فزاینده رسانه‌هاست. مالکوم ایکس، فعال حقوق سیاهپوستان در آمریکا درباره قدرت رسانه‌ها گفت: «رسانه‌ها قدرتمندترین موجودیت روی زمین هستند. آنها این قدرت را دارند که بی‌گناهان را مجرم جلوه دهند و مجرمان را بی‌گناه و این قدرت است». رسانه‌ها در بحران‌ها می‌توانند استاندارد دوگانه‌ای ایجاد کنند که یک طرف را متجاوز و طرف دیگر را قربانی جلوه دهد. موضوع فلسطین از همین دست است. هنگام طرح موضوع فلسطین، رسانه‌های غربی عامدانه حقوق فلسطین را نادیده می‌گیرند. آنچه به کمرنگ شدن موضوع فلسطین منجر شده، به چند دلیل برمی‌گردد:

پررنگ بودن نقش رسانه‌های جریان اصلی در پوشش اخباربین‌المللی

در نتیجه درک افراد از وقایع و رخدادها در سطح جهان آن چیزی است که رسانه‌های غربی به نمایش می‌گذارند. این موضوع هم باعث تحریف مداوم اخبار و هم ایجاد دیدگاه تک‌بعدی در بینندگان می‌شود. این رسانه‌ها برای فلسطینی‌ها عبارت «می‌میرند» و برای صهیونیست‌ها «کشته می‌شوند» را به کار می‌برند، حماس را گروه تروریستی معرفی می‌کنند و انگاره «تروریسم» را برای فلسطینیان و در مقابل «دفاع از خود» را برای صهیونیست‌ها مطرح می‌کنند. همان طور که ریاض منصور، سفیر فلسطین در سازمان ملل در جنگ کنونی غزه گفت: «تاریخ برای برخی رسانه‌ها و سیاستمداران از زمانی شروع می‌شود که اسرائیلی‌ها کشته می‌شوند.»

نقش دولت‌ها و انعکاس سیاست رسمی آنها در محتواهای رسانه‌ای

همگامی این چنینی باعث شده تا حق فلسطینیان برای دفاع، به تروریسم ترجمه و سیاست مبتنی بر ترور رژیم در فلسطین بی‌اهمیت جلوه داده شود. استفاده مطبوعات از عبارات درگیری، خشونت، ناآرامی، جنگجویان فلسطینی، بدترین ناآرامی مذهبی، حرکت امنیتی، تحریکات مسلمانان، برگرداندن نظم و شورش هزاران نمازگزار برای نمایش قربانی بودن رژیم و قرار دادن آن در حالت تدافعی باعث شده تا این گونه بازنمایی شود که رفتار تهدیدآمیز مسلمانان باعث می‌شود صهیونیست‌ها اقدامات حفاظتی انجام دهند. در بریتانیا نیز رسانه‌ها، افراد مخالف سیاست رسمی را کنار می‌گذارند. جرمی کوربین، سیاستمدار برجسته از افرادی بود که به دلیل به چالش کشیدن سیاست‌های رژیم صهیونیستی، با برچسب «یهودستیز» روبه‌رو شد. جورج گالووی نماینده سابق پارلمان بریتانیا نیز که در رسانه‌های مختلف، نابرابری‌ها را درباره مسأله رژیم و فلسطین فاش می‌کرد، با اخراج روبه‌رو شد. لذا ایجاد چالش در مقابل اقدامات اشغالگران، با خشم صاحبان قدرت مواجه خواهد شد.

تلاش‌های جهانی رژیم صهیونیستی

کنترل رسانه‌ها، نشر کتب و مقالات گوناگون، برگزاری جلسات سخنرانی، تبلیغ در سطح دانشگاه‌ها، جذب دانشجویان و ریاست بسیاری از بنگاه‌های رسانه‌ای به دست حامیان رژیم صهیونیستی، برخی از برنامه‌های آنها برای تاثیر بر افکار عمومی جهانی است؛ برای مثال حامیان رژیم در رسانه‌ها و دانشگاه‌های اروپا و آمریکا حضور فعال دارند. بیشتر تحلیلگران روزنامه‌های مشهور و شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی، به‌طور آشکار و پنهان از این رژیم حمایت می‌کنند. برای مثال در آمریکا بیش از ۲۰۰ واحد سازمان آیپک در دانشگاه‌ها، شیوه گفتار و رفتار استادان و دانشجویان را در قبال رژیم رصد می‌کنند. رسانه‌ها همچنین ابزاری برای جذب یا طرد افراد در ساختار هستند. برای مثال لابی صهیونیستی از راه ارسال ایمیل‌های گسترده و کنترل رسانه‌ها می‌تواند به راحتی بخت کسی را برای کرسی سیاسی افزایش یا کاهش دهد. رسانه‌ها در واقع ابزار قدرت نرم رژیم هستند و همین باعث می‌شود موضوع فلسطین به فراموشی سپرده شود. ناچمن شای از اعضای کنست در مصاحبه با مرکز شورنشتاین در سال ۲۰۱۴ گفت: «اکنون نبرد از قدرت سخت به قدرت نرم منتقل شده است. رسانه‌ها در این انتقال نقش بسزا دارند».

چگونه فلسطین به مسأله اول دنیا تبدیل شد؟

با این حال بعد از هفتم اکتبر و عملیات طوفان الاقصی، فلسطین به یکی از مهم‌ترین حوزه‌های بحرانی در جهان تبدیل شد و رسانه‌های جریان اصلی که تا قبل از آن به جنگ اوکراین و... می‌پرداختند، متوجه جنگ غزه شدند. برای این موضوع که چگونه این جنگ باعث شد فلسطین به مسأله اول دنیا تبدیل شود، می‌توان به دلایل زیر اشاره کرد:

میزان بالای جنایت‌های اشغالگران در حق فلسطینیان

میزان جنایت‌های رژیم صهیونیستی از جمله حمله به مدارس، پناهگاه‌ها و بیمارستان‌ها، جنگ غزه را به یک تراژدی در تاریخ تبدیل کرده است. تاکنون حدود ۳۷ هزار نفر در طول هشت ماه گذشته در این جنگ شهید و حدود ۲۰ هزار نفر زخمی شده‌اند. این در حالی است که طبق آمار سازمان ملل در فوریه ۲۰۲۴، تعداد غیرنظامیان کشته شده در جنگ اوکراین که از سال ۲۰۲۲ آغاز شده حدود ۱۰ هزار نفر است. بیش از ۱۵ هزار نفر از شهدا در غزه، کودک هستند. این جنایت‌ها تاثیر گسترده‌ای بر افکار عمومی برجای گذاشته و انعکاس گسترده رسانه‌ای یافته است.

عملکرد رسانه‌ها

عملکرد رسانه‌ها از دلایل مهمی است که مسأله فلسطین را به دنیا شناساند. بعد از طوفان‌الاقصی، رسانه‌های مختلف که از پوشش منطقه‌ای و جهانی برخوردار هستند نقش مهم و پررنگی در انعکاس اخبار فلسطین و پوشش گسترده آن ایفا کرده‌اند. در این راه بیش از ۱۰۰ خبرنگار در سرزمین‌های اشغالی جان خود را از دست دادند. رسانه‌هایی همچون المنار، العالم و به‌ویژه شبکه الجزیره که در سطح جهان پخش می‌شوند، از هفتم اکتبر، بخش‌های مختلفی از اخبار و گزارش‌های خود را به پخش اخبار فلسطین و پوشش زنده آن اختصاص دادند. رژیم صهیونیستی ابتدا سعی کرد با تعطیلی دفاتر این رسانه‌ها از جمله الجزیره، پوشش خبری را متوقف کند اما خللی در روند پوشش اخبار ایجاد نشد.

آگاهی جهانی نسبت به مسأله فلسطین

اگر تا قبل از این موضوع فلسطین به یک موضوع سیاست خارجی در بسیاری از کشورها مربوط بود و حمایت‌های جهانی شامل آن نمی‌شد، اما پخش جنایت‌های رژیم در ایجاد فاجعه انسانی در غزه باعث ایجاد آگاهی در جوامع مختلف نسبت به این مسأله شد.

ایجاد آگاهی بیشتر بین اقشار مختلف به‌ویژه در بین کشورهای اروپایی نمود بیشتری یافته است. درواقع مردم در اقصی نقاط این منطقه از سوئد در اروپای شمالی تا آلمان، انگلیس، فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی با وجود ممنوعیت تظاهرات و حتی اعمال جرائم سنگین نسبت به تظاهرکنندگان، تجمعات زیادی را در حمایت از فلسطین و علیه کشتار توسط صهیونیست‌ها و حمایت کشورهای اروپایی به‌راه‌انداختند. همین آگاهی جهانی باعث شده است تا بسیاری از دانشجویان در دانشگاه‌های مختلف آمریکا در حمایت از فلسطین به‌پاخیزند و حتی کشورهایی چون سوئد و اسپانیا در اروپا حمایت خود را از کشور مستقل فلسطینی اعلام دارند.

حمایت‌های گسترده در بین جوانان غربی

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که فلسطین را به مسأله اول دنیا تبدیل کرد، آگاهی نسل جدید در غرب از جنایت‌های رژیم در قبال فلسطینیان در طول دهه‌های گذشته و به‌ویژه بعد از عملیات طوفان الاقصی بود. مهم‌ترین تلاش رسانه‌های جریان اصلی در غرب بر تاثیرگذاری روی جوانان نسل جدید متمرکز است؛ این در حالی است که بسیاری از صاحب‌نظران حمایت‌های جوانان غربی از فلسطین را به‌عنوان افزایش شکاف بین نسل‌ها در نظر گرفتند. ازجمله نیل فرگوسن، استاد دانشگاه هاروارد و از جمهوریخواهان تندرو ضمن تایید این مسأله گفت: «گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال در آمریکا و انگلیس به‌شدت ضد اسرائیل و طرفدار فلسطین هستند. باید در مورد افول حمایت اسرائیل نگران باشیم.» آنچه امروز در بسیاری از دانشگاه‌های مشهور آمریکا و برخی کشورهای غربی می‌گذرد و این محافل را به محلی برای اعتراض به نسل‌کشی در غزه تبدیل کرده، نمود دیگری از تغییر در نگرش نسل جوان جهان نسبت به موضوع فلسطین است؛ موضوعی که از دید صاحب‌نظران و سیاستمداران غربی هم دور نمانده و به‌شدت آنان را نگران کرده.

همان‌قدر که رژیم صهیونیستی از مبارزه مسلحانه مقاومت وحشت دارد و آن را خطرناک می‌داند، بیداری جهانی نسبت به ماهیت این رژیم نیز برای آن خطرناک و مهلک است.